Received: 2024/11/18
Accepted: 2025/02/05

Analysis of the developments in the approach to "conceptualism" in the field of postmodern architecture

Somayeh Davoodi[1]
Nayer Tahoori[2]

10.22034/9.2.7

Abstract

In the last few decades, the impact of the postmodern era's attitudes and developments on all fields has been considered by researchers. A reflection on the intellectual trends of the second half of the twentieth century shows that during this period, the strong influence of cognitive sciences and philosophy on architectural theories, as well as other fields, has led to the formation of new perspectives. However, so far, little research has specifically addressed the relationship between postmodern developments and architectural theories. This article attempts to explain and compare the theories of the two fields of postmodernism and architecture in order to answer the questions "What are the characteristics of art in the postmodern era?" and "How did these characteristics lead to the transformation of the approach to "meaning" and "concept" in architecture?" The goal is to strengthen the theoretical foundations of architecture by searching for the reasons for the formation and transformation of the approach to conceptualism and meaning-making in the postmodern era. This research is of a qualitative type and its method is based on studying documents and library resources and then describing and analyzing them. The logical reasoning method has also been used for comparison and conclusion. Based on the analysis of the results obtained from the theoretical foundations, it can be argued that the introduction of postmodern paradigms and their connection with design theories with an emphasis on the cognitive domain can help strengthen the thinking of architects and conceptualization in architecture; The research findings also show that postmodern paradigms, which in a way indicate a change in the direction of thought and push architecture towards cognitive domains, have also had a significant impact on strengthening the theoretical foundations of architecture, the specific result of which is the formation of conceptual design in architecture.

Keywords: Postmodern, Design theory and methods, Concept, Conceptualism, Semanticism

1. Department of Architecture, National University of Skills (NUS), Tehran, Iran.
Davoodi_pegah@yahoo.com
2. Department of Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
n_tahoori@srbiau.ac.ir

How to Cite This Article: Davoodi, Somayeh; Tahoori, Nayer (2025). "Analysis of the developments in the approach to "conceptualism" in the field of postmodern architecture". *Golestan– e Honar*. 9(28): PP 119 - 134.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تحلیل تحولات رویکرد به «مفهوم‌گرایی» در حوزهٔ معماری پست‌مدرن

سمیه داودی[۱]
نیّر طهوری[۲]

چکیده

در چند دهه اخیر تأثیر نگرش و تحولات دوران پست‌مدرن بر تمامی حوزه‌ها از سوی پژوهش‌گران مورد توجه قرار گرفته است. تعمق در جریانات فکری نیمهٔ دوم قرن بیستم نشان می‌دهد که در این دوران، تأثیر پررنگ علومِ شناختی و فلسفه بر نظریات معماری نیز مانند دیگر حوزه‌ها باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های جدید شده است ولی تاکنون، کمتر پژوهشی به‌طور مشخص به ارتباط بین تحولات پست‌مدرن و نظریات معماری پرداخته است. این مقاله می‌کوشد تا در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات «ویژگی‌ها و شاخصه‌های هنر در دوران پست‌مدرن چیست؟» و «چگونه این ویژگی‌ها باعث تحول رویکرد به «معنا» و «مفهوم» در معماری گردید؟» به تبیین و تطبیق نظریات دو حوزه پست‌مدرن و معماری بپردازد. هدف این است که از رهگذر جست‌وجوی دلایل شکل‌گیری و تحولات رویکرد به مفهوم‌گرایی و معناپردازی در دوران پست‌مدرن به تقویت بنیان‌های نظری معماری دست یابیم. این پژوهش از نوع کیفی و روش آن مبتنی بر مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای و سپس توصیف و تحلیل آنها بنا گردیده‌است. برای تطبیق و نتیجه‌گیری نیز از روش استدلال منطقی استفاده شده‌است. بنا به تحلیل نتایج حاصل از مبانی نظری، می‌توان چنین استدلال کرد که مطرح شدن پارادایم‌های پست‌مدرن و مرتبط نمودن آن با نظریات طراحی با تأکید بر حوزه شناخت، می‌تواند به تقویت اندیشه معماران و مفهوم‌پردازی در معماری کمک نماید؛ همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پارادایم‌های پسامدرن که به‌نوعی حکایت از تغییر جهت اندیشه و سوق‌دادن معماری به سمت حوزه‌های شناختی دارد؛ در تقویت بنیان‌های نظری معماری نیز تأثیری قابل توجه داشته‌است که نتیجه مشخص آن شکل‌گیری طراحی مفهومی در معماری است.

کلیدواژه‌ها: پست‌مدرن، نظریه و روش‌های طراحی، طرح‌مایه، مفهوم‌گرایی، معناگرایی

۱ . دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشگاه ملّی مهارت، تهران، ایران. davoodi_pegah@yahoo.com
۲ . استادیار، گروه پژوهش هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
n_tahoori@srbiau.ac.ir

ارجاع به مقاله: داودی، سمیه؛ طهوری، نیر (۱٤۰۳). «تحلیل تحولات رویکرد به «مفهوم‌گرایی در حوزه معماری پست‌مدرن». *گلستان هنر*، ۹(۲۸): صص ۱۱۹ـ ۱۳٤.

۱. مقدمه و بیان مسئله

این پژوهش به بررسی و تحلیل تحولات دوران پست‌مدرن و تأثیر آن بر دیگر حوزه‌ها از جمله معماری اختصاص دارد. بنابراین به منظور آماده‌سازی مقدمات ورود به موضوع پژوهش، بی‌گمان بررسی اتفاقات دوران پست‌مدرن و دسته‌بندی ویژگی‌های آن رویکرد مناسبی خواهد بود. از بین منابع موجود «کیت نسبیت» در کتاب *Theorizing a New Agenda for Architecture* از سه دیدگاه به پست‌مدرن می‌نگرد: نخست به منزلهٔ یک دوران تاریخی، دوم از دیدگاه معرفی و طبقه‌بندی پارادایم‌های نظری پراهمیت این دوران و سوم از بُعد بررسی درون‌مایه‌های هنرِ پست‌مدرن. وی در بخش اول این کتاب از نظر بازه زمانی و تاریخ وقوع دوران پست‌مدرن، بیشتر به چالش‌های آن با جنبش معماری مدرن پرداخته‌است. در بخش دوم پارادایم‌های پدیدارشناسی، زیبایی‌شناسی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، ساختارگرایی و شالوده‌شکنی و در بخش سوم درون‌مایه‌های معنا، مکان، سیاست، اخلاق و کالبد را به عنوان شاخصه‌های این دوران معرفی می‌نماید (نک: Nesbitt, 1996: 20-26). بر مبنای بررسی سه نگرش کتاب فوق به پست‌مدرن با هدف دست‌یابی به دیدگاهی جامع از یک سو و از سویی دیگر، بررسی و تحلیل جریان پست‌مدرن در اواخر قرن بیستم مشخص می‌سازد که تغییرات مهم تاریخی در این دوران رخ داده است که نفوذ و تأثیر آنها بر رشته‌ها و

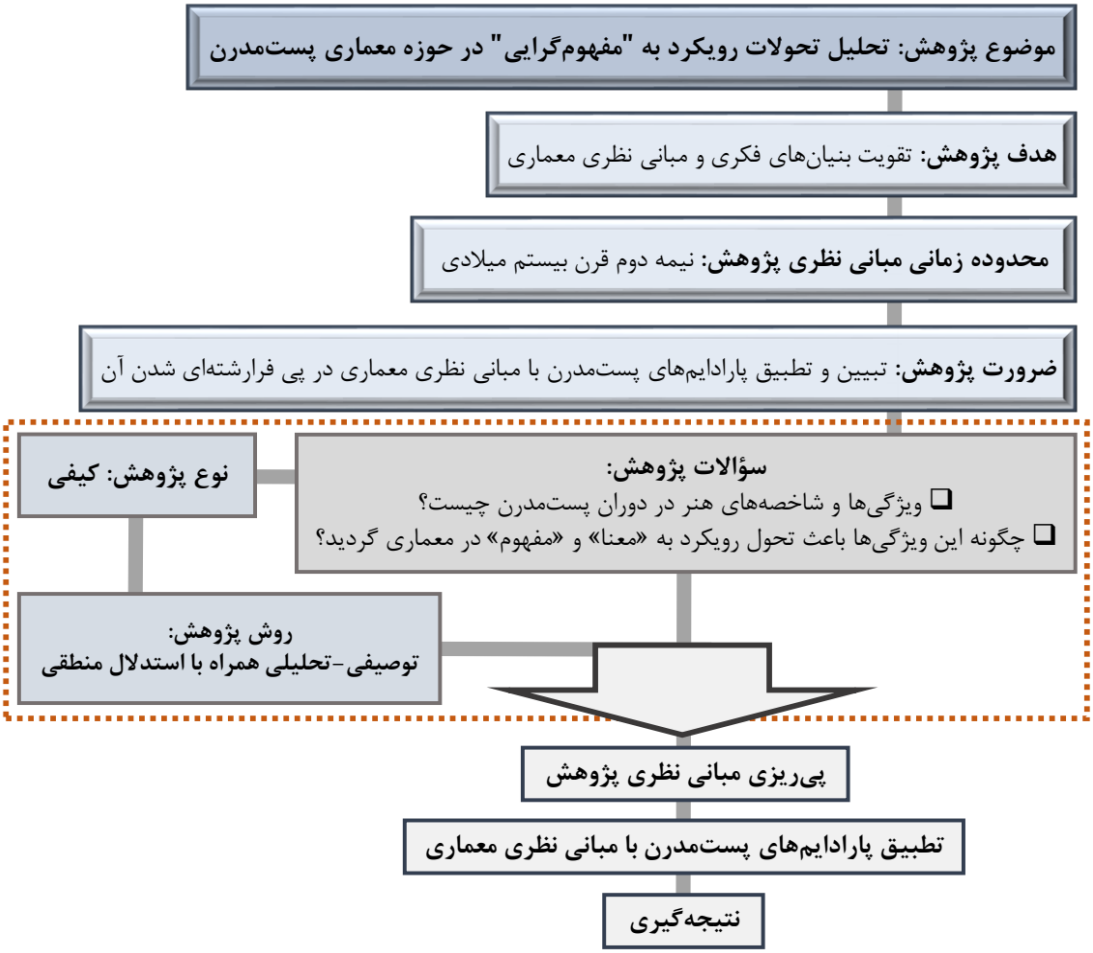

تصویر ۱: ساختار مفهومی پژوهش (منبع: نویسندگان)

حوزه‌های دیگر قابل ملاحظه است. به دنبال آن نگرش‌های جدید در مبانی نظری حوزهٔ معماری که همیشه به‌عنوان یک حوزه بین رشته‌ای مطرح بوده، نیز اتفاق افتاده است. بنابراین بازنگری مبانی آن تحت تأثیر پارادایم‌های جدید آغاز شد؛ این تلاش‌ها تاکنون نیز ادامه دارد و به تقویت اصول و مبانی بین‌رشته‌ای معماری کمک نموده است؛ این موضوع با گسترده شدن حوزه معماری و فرارشته‌ای شدن آن، بیش از پیش نیاز به تحلیل و تبیین دارد. بنابراین ضرورت شناخت کامل‌تر و تحلیل دقیق‌تر تحولات فوق با هدف تقویت بنیان‌های فکری و نظری معماری مطرح می‌گردد. بر مبنای ضرورت فوق این پژوهش می‌کوشد تا از رهگذر تبیین پارادایم‌های دوران پست‌مدرن به تطبیق آنها با مبانی نظری معماری پرداخته و با تأکید بر دلایل شکل‌گرفتن تحولات این دو حوزه و تأثیر آنها بر یکدیگر، تحولات رویکرد به مفهوم‌گرایی و معناپردازی را تبیین و ارائه نماید؛ تصویر شمارهٔ ۱، ساختار مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

۲. سؤالات پژوهش

با توجه به مقدمه ذکر شده و ضرورت پژوهش، سؤالات مطرح‌شده به شرح زیر هستند:

– ویژگی‌ها و شاخصه‌های هنر در دوران پست‌مدرن چیست؟

– چگونه این ویژگی‌ها باعث تحول رویکرد به «معنا» و «مفهوم» در معماری گردید؟

در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده و با هدف تبیین تحولات رویکرد به «معناگرایی» در معماریِ دوران پست‌مدرن، ابتدا به بررسی پیشینه‌ها و سپس توضیح روش پژوهش می‌پردازیم.

۳. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه ذکر گردید، تحولات دوران پست‌مدرن به‌دلیل اهمیت آن از دیدگاه دلایل شکل‌گیری و بازه زمانی وقوع آنها، همیشه قابل توجه و بررسی بوده و پژوهش‌های متعدد در این زمینه صورت گرفته است. بخش پیشینه شامل بررسی دو دسته از منابع علمی است: دسته نخست بخشی از این منابع است که به صورت کلّی با تمرکز بر کاربرد پارادایم‌های نظری پست‌مدرن در حیطه علوم و هنرها از جمله معماری انجام شده‌اند. «چارلز جنکس» معمار و منتقد معروف آمریکایی، به‌عنوان اولین شارح معماری پست‌مدرن در کتاب شاخص خود *The Language of Post-modern Architecture* که در سال ۱۹۷۷ نگاشته است، بر مبنای اندیشه انتقادی، هم به تبیین علل پایان مدرنیته پرداخته و هم راهبردهایی را برای غلبه بر کلاسیک‌گرایی پست‌مدرن ارائه داده‌است. به جرأت می‌توان گفت که هیچ کتاب دیگری به اندازه این کتاب در باب توصیف و تعریف واقعیت معماری پست‌مدرن، مؤثر نبوده‌است. وی همچنین در مقاله‌ای با عنوان « Ecstatic Architecture» ضمن توصیف معماری امروز به پیوندهای این معماری با فرهنگ امروز و تفاوت‌های بارز گرایش‌های عرفانی و دینی امروز با دین و عرفان و هنر گذشته می‌پردازد. (نک: طهوری، ۱۳۸۲: ۱۶۰) علاوه بر نظریات چارلز جنکز که پایه مقاله حاضر را شکل می‌دهد، یکی دیگر از پژوهش‌های مطرح در این بررسی، کتب «ایهاب حسن» یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان دوران پست‌مدرن است. وی در کتاب *The Dismemberment of Orpheus* که در سال ۱۹۸۲ نوشت در جدولی به شرح زیر به ویژگی‌ها و تمایزات دو جنبش مدرن و پست‌مدرن پرداخته‌است. (جدول ۱)

جنبش	ویژگی‌ها								
مدرن	هدف	سلسله‌مراتب	اثر کامل	کلیت‌بخشی	حضور مؤلف	حد و مرز داشتن	جانشینی	هنرمند محوری	تاریخ کلان
پست‌مدرن	بازی	هرج و مرج	روند اجرا	واسازی	مرگ مؤلف	بینامتنیت	هم‌نشینی	مخاطب محوری	تاریخ خُرد

جدول ۱: ویژگی‌های دو جنبش مدرن و پست‌مدرن (منبع: نویسندگان بر اساس نظریات ایهاب حسن)

قابل ذکر است که قبل از این، تألیف دو کتاب مهم دیگر نیز در توضیح و بیان وقایع دوران پست‌مدرن سهمی قابل توجه داشت. یکی کتاب *Complexity and Contradiction in Architecture* توسط رابرت ونتوری در سال ۱۹٦٦ میلادی و دیگری تألیف کتاب *Learning from Las Vegas* توسط دنیس اسکات براون، رابرت ونتوری و استیون آیزنور در سال ۱۹۷۲. در این کتاب با معرفی کوتاهی از معماری ویژه دیسنی‌لند و لاس‌وگاس، جایی که مرز میان توهّم و واقعیت درهم می‌شکند و معنای اصیل یا تقلبی مورد تردید قرار می‌گیرد، ذکر شده‌است که از مهمترین مضامین پست‌مدرن‌ها، بحث درباره واقعیت یا فقدان آن در معماری است. (طهوری، ۱۳۸۹: ۱۰۹۸) همچنین پس از آن سایمون مالپاس در کتاب *The Postmodern* و لارنس کهون در کتاب *From Modernism to Postmodernism* به تشریح و بسط نظریات فوق پرداختند و نشان دادند که گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم نشان‌دهنده تغییری قابل‌توجه در پارادایم‌های فرهنگی، هنری و ادبی است. در دیگر نگرش‌های کلّی، نیز به صورت تقریباً مشابه ویژگی‌های عصر پست‌مدرن از دیدگاه منتقدان بررسی شده‌است. از جمله در مقاله «الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن» نوشته سوهانگیر و نصیرسلامی نخست به‌طور خلاصه پیشینه‌ای از نحوه ورود بحث پارادایم‌ها از حوزهٔ علم به حوزهٔ معماری، مروری بر پارادایم‌های نظری معماری در دوران پست‌مدرن ذکر و سپس با استفاده از پارادایم‌های مطرح شده در حوزهٔ معماری توسط کیت نِسبیت مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، زیبایی‌شناسی، ساختارگرایی، پساساختارگرایی و شالوده‌شکنی به اهمیت به کارگیری این نظریات در روند طراحی، پرداخته می‌شود (نک: سوهانگیر و نصیرسلامی، ۱۳۹۳: ۷۸–٦۵). کتاب مهم دیگر در این زمینه *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، نوشتهٔ بابک احمدی است که در آن رواج اندیشه انتقادی به‌عنوان آغازگر نظریات پست‌مدرن معرفی شده‌است. (نک: احمدی، ۱۳۷۳) همچنین در کتاب *اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم* توسط ضیمران و ارشاد، نظریات فلسفی دوران پست‌مدرن بررسی شده‌است (نک: ضیمران و ارشاد، ۱۳۹۳).

دستهٔ دوم پیشینه‌ها مربوط به منابعی است که نظریات و پارادایم‌های پست‌مدرن را به‌طور اختصاصی در یکی از حوزه‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. در این دسته‌ای از پژوهش‌ها، فراتر از نگاه کلّی و عمومی به مقوله پست‌مدرن، بررسی بر تحولات گونه خاصی از هنر متمرکز می‌شود. به‌عنوان مثال در مقاله «تحلیل رویداد پسامدرنیسم در هنرهای تجسمی از نگاه داگلاس کریمپ» بر پایه نظریات والتر بنیامین و میشل

فوکو به تحلیل مهم‌ترین رویدادهای پسامدرنیسم در هنرهای تجسمی پرداخته شده‌است. بر این مبنا «پسامدرنیسم هنری، گسست اساسی با مدرنیسم دارد» (صفاری و دیگران، ۱۳۹۷: ٦٥). در مقاله «تحلیل پست‌مدرنیستی نقاشی‌های وانگچی موتو هنرمند معاصر آفریقایی-آمریکایی» نویسندگان به جست‌وجو و تحلیل خصلت‌های جریان پست‌مدرن در نقاشی پرداخته‌اند. زیرا این جریان«همواره ارزش‌ها و ایده‌هایی آزادی‌بخش را نسبت به گذشته به دنیای هنر عرضه کرده که در نوع خود بداعت و تازگی داشته‌اند» (پاکزاد و فروغی‌دهنوی، ١٤٠١: ٥). در مقاله دیگری با تأکید بر پیچیدگی‌های هنر پست‌مدرن به تحلیل نشانه‌شناختی طراحی در این دوران پرداخته شده و بر دلالت‌های ضمنی در آثار پست‌مدرن به عنوان حلقه اصلی فرایند دلالت با هدف ایجاد امکان تعامل بین مخاطب و اثر هنری تأکید دارد. «طرح‌های پست‌مدرن، ادراک حسّی مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهد و کارکرد برتر فرایند ارتباطی در آثار پست‌مدرن، کارکرد عاطفی است» (امرایی، ۱۳۹۰: ٦٥).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیلی بر چگونگی بیان معنا در معماری پست‌مدرن از دریچه زبان‌شناسی» نویسندگان با توجه به نقش فن مجاز و رابطه تعاملی آن با استعاره، برای تولید و بیان معنا در معماری پست‌مدرن راهبردهایی را پیشنهاد داده‌اند (نک: احمدی و ذوالفقارزاده، ١٤٠١: ١٨٠-١٦٥). مقاله «تحلیل زمینه‌های پیدایش مجسمه‌سازی پست‌مدرن از ۱۹٦۰ تا ۱۹۸۰» از دیگر پژوهش‌هایی است که مرتبط با بحث فوق انجام شده است. توجه به محتواگرایی و مفهومی‌بودن مجسمه برخلاف فرم‌گرایی حاکم در دوره مدرن مورد تأکید است که باعث شد تا رویکردهای غالب در مجسمه‌سازی تغییر کرده و مجسمه‌سازی پست‌مدرن با صورت‌های بیانی جدیدش ظهور پیدا کند. «در دورهٔ پست‌مدرنیسم، هنر دچار کارکردهای متغیری شده و مدام در حال تغییر ماهیت و هویت است؛ این گوناگونی حیرت‌آور در هیچ زمینه‌ای به اندازه جهان مجسمه‌سازی آشکار نیست» (موسویان، ١٣٩٤: ٦١).

همچنین در این زمینه، کتاب *نظریه‌های پسامدرن در معماری* نیز قابل توجه است که توسط «کیت نِسبیت» باهدف معرفی پارادایم‌های نظری تعیین‌کننده پسامدرنیسم و علت ورود آن‌ها به حوزهٔ معماری در سال ۱۹۵۷ میلادی انتشار یافت. در این کتاب «معنا» به‌عنوان یکی از دورن‌مایه‌های اصلی نظریات پست‌مدرن معرفی شده‌است: «مسئله اصلی بحث پسامدرن در مورد معنا، تعیین گوهر معماری است.» (نسبیت، ۱۳۹۷: ٦٦) باتوجه به پیشینه مطرح شده، مشخص می‌گردد که تاکنون به تطبیق نظریات دوران پست‌مدرن با نظریات معماری پرداخته نشده است و پژوهشی مشخص درباره این موضوع و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر به‌ویژه در حوزه تحولات «مفهوم‌گرایی» و «معناگرایی» وجود ندارد؛ بنابراین تلاش می‌شود که در پژوهش حاضر به این موضوع بپردازیم. در جدول ۲ خلاصه‌ای از این پیشینه‌ها آورده شده‌است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش ازنوع کیفی است و بر مبنای روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته‌است. ابزار و شیوه‌های گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعه اسناد و منابع مکتوب کتابخانه‌ای، پژوهش‌های پیشین و سپس تطبیق آنها است. در این راستا، ابتدا ویژگی‌ها و شاخصه‌های اصلی نگرش پست‌مدرن

دیدگاه	عنوان پژوهش	نگارنده/نگارندگان	سال
پارادایم‌های پست‌مدرن	Complexity and Contradiction in Architecture	Robert Venturi	1966
	Learning from Las Vegas	Robert Venturi Denise Scott Brown Steven Izenour	1972
	The Language of Post-modern Architecture	Chales Jencks	1977
	The Dismemberment of Orpheus	Ihab Hassan	1982
	Ecstatic Architecture	Chales Jencks	1999
	From Modernism to Postmodernism	Lawrence Cahoone	2003
	The Postmodern	Simon Malpas	2004
	مدرنیته و اندیشه انتقادی	بابک احمدی	۱۳۷۳
	معماری خلسه‌آور	نیّر طهوری	۱۳۸۲
	از دیسنی‌لند تا لاس‌وگاس	نیّر طهوری	۱۳۸۹
	اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم	ضیمران و ارشاد	۱۳۹۳
	الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن	سوهانگیر و نصیرسلامی	۱۳۹۳
معماری	Theorizing a New Agenda for Architecture	Kate Nesbitt	1996
نشانه‌شناختی	تحلیل نشانه‌شناختی طراحی پسامدرن	بابک امرایی	۱۳۹۰
مجسمه‌سازی	تحلیل زمینه‌های پیدایش مجسمه‌سازی پست‌مدرن از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰	سمیه موسویان	۱۳۹٤
هنرهای تجسمی	تحلیل رویداد پسامدرنیسم در هنرهای تجسمی از نگاه داگلاس کریمپ	صفاری و دیگران	۱۳۹۷
نقاشی	تحلیل پست‌مدرنیستی نقاشی‌های «وانگچی موتو» هنرمند معاصر آفریقایی-آمریکایی	پاکزاد و فروغی‌دهنوی	۱٤۰۱
زبان‌شناسی	تحلیلی بر چگونگی بیان معنا در معماری پست‌مدرن از دریچه زبان‌شناسی	احمدی و ذوالفقارزاده	۱٤۰۱

جدول ۲: پیشینه پژوهش (منبع: نویسندگان)

توصیف شده و سپس به کمک تفسیر تحولات این دوران، رویکردهای جدید به «مفهوم‌پردازی» به روش استدلال منطقی تحلیل و در انتها نیز از جمع‌بندی مطالب، نکاتی استنتاج گردیده‌است. بنابراین هم‌زمان از سه راهبرد توصیف، تحلیل و تفسیر جهت پی‌ریزی مبانی نظری پژوهش استفاده شده‌است که در ادامه شرح مفصل آن آورده می‌شود.

۵. مبانی نظری پژوهش

۵ .۱. حوزهٔ نظریات پست‌مدرن

به صورت کلّی پست‌مدرنیسم دربرگیرنده وجه تمایز اساسی دوران معاصر از دوران مدرن توصیف شده‌است؛ نکته قابل تأمل این است که فقدان تسلط یک نگرش یا دیدگاه واحد در این دوران باعث شد تا «تکثرگرایی» به‌عنوان مشخصه اصلی این دوران تعریف شود. «به رسمیت شناختن تکثرگرایی، دست شستن از امیدهای سوژه عقلانی، تمرکز بر بازنمایی حیات اجتماعی–فرهنگی و در نهایت نوعی از پذیرش بازی و خیال‌پردازی در حوزه‌هایی از فرهنگ و هنر که تا قبل از دوره معاصر، به دنبال دست یافتن به حقیقت بودند.» (کهون، ۱۳۹۲: ٤) بنابراین نقطه‌نظر مشترک میان نظریات پست‌مدرن نشانگر «بحران معنای واحد» در این بازه زمانی است. علاوه بر کثرت‌گرایی و فرهنگ، ضیمران و ارشاد به تأثیر پررنگ امور اجتماعی و سیاسی در تحولات دوران پست‌مدرن پرداخته ومی‌نویسند: « مدرنیسم هنری، امری مستقل و خود پایدار بوده و اوج نوآوری در آن به برخورد انقلابی فرم می‌انجامد که بر وحدت و استقلال اثر هنری تأکید دارد، اما هنر پسامدرن بر کثرت‌گرایی و نداشتن استقلال اثر هنری تکیه می‌کند؛ زیرا رویکرد پسامدرن به هنر بر پایه اهمیت دادن به امور غیر هنری و بازتاب امور اجتماعی و سیاسی در هنر است در حالی که هنر مدرن خود را از امور اجتماعی و سیاسی فارغ می‌داند» (ضیمران و ارشاد، ۱۳۹۳: ۳۱). نتیجه این دیدگاه، پیدایش «سبک آوانگارد» به‌عنوان نماینده تمام عیار تأثیرپذیری از امور اجتماعی و سیاسی است. در مجموع پست‌مدرنیسم یک جنبش فرهنگی است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ظهور کرد و مشخصه آن گسست از اشکال سنتی و کاوش در تکنیک‌ها و ایده‌های جدید از جمله ذهنیت و انتزاع است. پست‌مدرنیسم که در اواسط قرن بیستم برجستگی پیدا کرد، اصول مدرنیستی را نقد و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد و اغلب کنایه، شک و تردید و آمیختگی سبک‌ها و ژانرها را در بر می‌گیرد. گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم، مستلزم تغییر از جست‌وجوی حقایق جهانی همراه با زیر سوال بردن وجود حقیقت و پذیرش نسبی‌گرایی است. (کهون، ۱۳۹۲: ۲۸) تصویر ۲ «مین استریت دیزنی‌لند» و تصویر ۳ «استریپ لاس‌وگاس» را به‌عنوان نماینده تمام عیار نظریات پست‌مدرن نشان می‌دهد.

تصویر ۲. مین استریت دیزنی‌لند

تصویر۳. استریپ لاس‌وگاس(هتل لوکسور)

تاکنون تأثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر رویکردهای دوران پست‌مدرن واضح و آشکار است؛ «به عبارت دیگر پست‌مدرنیسم عرصه هنری، فرهنگی و فلسفی مشخصی نبوده و زیباشناسی معینی نیز ندارد؛ بلکه نوعی گسست از سنت‌های پیشین و بازاندیشی برای یافتن راه‌های تازه و پایان‌دادن به سیطره مدرنیسم بوده است. پست‌مدرنیسم با روایت‌ها و شیوه‌های متفاوت و گوناگونی که در پیش گرفته، هر گونه نظام ارزشی را نقض کرده و با ارائه رویکردهای فردی و سلیقه‌ای به هنرمندان اجازه بیان هر گونه موضوعی را می‌دهد که با روش‌هایی چون التقاط و ترکیب، آثار هنری خویش را بسازند.» (موسویان، ۱۳۹٤: ٦۷). همچنین جریان پست‌مدرن در ادامه ارائه انواعی از بداعت و تازگی در پایان قرن بیستم میلادی با نوعی از مخالفت‌ها نیز روبه‌رو شد تا جایی که آن را یک جریان زیبایی‌شناختی جدید، عنصرِ غالب فرهنگی، دسته‌ای از جنبش‌های هنری که از شیوه بازنمایی خودآگاهانه نقیضه‌دار و تقلیدی استفاده می‌کند، دوره‌ای که انسان به «پایان تاریخ» رسیده است یا حتی اشتباهی تأسف‌بار خواندند (مالپاس، ۱۳۸٦: ۲۲). در اینجا ذکر این نکته ضروری است که تلاش برای ارائه تعریفی دقیق و کامل از شاخصه‌ها و ویژگی‌های دوران پست‌مدرن با بن‌بست‌هایی مواجه می‌شود؛ چرا که ضرورت دارد به «عدم قطعیت» که خود از خصیصه‌های بنیادین این جریان است، نیز توجه کنیم. «به‌طور کلی نمی‌توان برای تعریف پست‌مدرن هنری به یک واژه، عبارت یا حتی پاراگراف اکتفا نمود و این امر خود از خاصیت تعریف‌ناپذیری و عدم قطعیت برمی‌خیزد که یکی از بنیان‌های اصلی جریان پست‌مدرن محسوب می‌شود. از سوی دیگر در این دوره دگرگونی‌های متعددی در نگرش هنرمند، موضوعات هنری، رسانه، بیان هنری و نحوه ارائه ایجاد شد که ساختار و محتوای آثار را نیز تحت تأثیر قرار داد» (پاکزاد و فروغی، ۱٤۰۱: ۵). توجه به معنا و محتوای آثار که تا قبل از این جریان، بنا به آموزه‌های دوران مدرن بر فرم و نمود بیرونی متمرکز بود، به سمتی تازه تمایل یافت که نتیجه آن شکل‌گیری «کانسپچوال آرت»[1] بود. کانسپچوال آرت ابتدا از ابداعات مارسل دوشان بود؛ وی را «The Forefather of Conceptual Art» نامیده‌اند؛ زیرا به عنوان یکی از چهره‌های مهم در توسعه هنر معاصر، راه را برای کانسپچوال آرت با هدف قرار دادن شعار «هنر دوباره در خدمت ذهن»[2] هموار نمود. نظریات دوشان بر گسست از گذشته از طریق در هم شکستن ساختارهای آشنا همراه با تغییرات انقلابی بود (نک: Artland Magazine). هنر پست‌مدرن برخلاف دوره مدرن، مفاهیم بیان‌شده در اثر هنری و در یک کلام، محتوا را مدنظر قرار می‌دهد و این راهبرد مرهون دیدگاه‌های هنر مفهومی است. همچنین «حیطه ارائه اثر هنری در کانسپچوال آرت بسیار فراتر از میدان هنرهای بصری و نمایشی است و مبحث نور، صوت، حرکت، نمودار، فیلم، عکس و حتی اجرا را نیز در درون خود دارد.» (شاد قزوینی، ۱۳۹۲: ۷۸) در واقع شاخصه اصلی دوران پست‌مدرن که در همه هنرها از جمله معماری نیز وارد شد، توجه به ارتباط و تعامل دو سویه «اثر و مخاطب» است که در «کانسپچوال آرت» تجلّی یافت (تصاویر ٤ و ۵).

تصویر۴. نمایش آثار مفهومی مارسل دوشان، نیویورک، ۱۹۱۳ (منبع: مجله آرت‌لند)

تصویر۵. برهنه در حال پایین آمدن از پلکان، مارسل دوشان، ۱۹۱۲ (منبع: مجله آرت‌لند)

۲.۵. حوزه نظریات معماری

از اواخر دهۀ ۱۹٦۰ میلادی، رویکرد پست‌مدرن به‌عنوان یک رویکرد مهم و اساسی در حوزۀ معماری دوران معاصر مطرح گردید و این حوزه را مشابه همه علوم و حوزه‌های هنری دیگر تحت تأثیر خود قرار داد. بدون شک تألیف دو کتاب را در این دوران می‌توان آغازگر تحولات پست‌مدرن در معماری دانست. نخست کتاب *پیچیدگی و تضاد در معماری* نوشتۀ رابرت ونتوری در سال ۱۹٦٦ که پارادایم‌های فکری تازه‌ای را در برخورد با مسائل معماری پیشنهاد می‌دهد و دیگری کتاب *آموختن از لاس‌وگاس* نوشتۀ دنیس اسکات براون، رابرت ونتوری و استیون آیزنور در سال ۱۹۷۲ که اصول فلسفی و جهان‌بینی مقتدرانه دوران مدرن را زیر سوال برد. در این دو کتاب، ونتوری و اسکات براون کوشیدند تا پارادایم‌های نظری پست‌مدرن را به نظریه‌های قطعی و بلامنازع معماری مدرن وارد کنند و از طریق اصل عدم قطعیت که از شاخصه‌های اصلی پست‌مدرن است، این مسیر را پی گرفتند. در نتیجه این تلاش‌ها دوگانه‌هایی به‌عنوان ویژگی‌های متمایز جنبش مدرن و پست‌مدرن مطرح گردید. پس از اعلام تمایزات جنبش مدرن و پست‌مدرن توسط «ایهاب حسن» که در بخش پیشینه به آن پرداختیم، سال‌ها بعد سایمون مالپاس بر مبنای نظریات وی در باب دوگانه‌های متقابل مدرن و پست‌مدرن اذعان داشت که «مقولات دوگانه ایهاب حسن در کتابش با اینکه تماما بر حوزه ادبی تمرکز دارد ولی بسیاری از این دوگانه‌ها به معماری، فلسفه و دیگر جنبه‌های اجتماعی نیز قابل تعمیم است» (نک: مالپاس، ۱۳۸٦: ۱-۹).

ورود دیدگاه‌های پست‌مدرنیستی به حوزه نظریات معماری علاوه بر هم‌زمانی تحول در دیدگاه‌ها به فرایند طراحی که در جریان «نسل سوم روش‌های طراحی»[۳] رخ داد، بر هماهنگی بیشتر آرمان‌های معماری با مناسبات فرهنگی نیز متمرکز شد. این دوران که در حوزه معماری، عنوان طراحی‌پژوهی را به خود اختصاص داد، توجه را از عملکردگرایی مدرنیسم و روش‌های منطقی به سوی کشف کانسپت معمارانه سوق داد (نک: داودی و دیگران، ۱٤۰۲). «در طول تاریخ، درون‌مایه‌های زیادی در معماری دیده می‌شوند که

نیازمند راه‌حل‌هایی مفهومی و عینی هستند. به پرسش‌های عینی از طریق علوم فنی و ساختمانی پاسخ داده می‌شود؛ ولی پرسش‌های مفهومی یا فکری در قالب فلسفه مطرح می‌گردد» (نسبیت، ۱۳۹۷: ۲۲). این پرسش‌های نظری در برگیرنده خاستگاه‌های معماری و ارتباط آن با تاریخ است و کلیه مسائل مربوط به بازنمود فرهنگی و معنا را در برمی‌گیرد. نظریه‌های ابداعی جدید می‌کوشند تا به این پرسش‌های مهم پاسخ دهند. بر این اساس نسل سوم روش‌های طراحی معماری یعنی روش‌های «طرحمایه–آزمون» با تأکید بر یافتن پاسخی وحدت‌بخش و کلی که همه جنبه‌های مسئله طراحی را در بر می‌گیرد، به نقش معنا و مفهوم در تقویت ایده‌پردازی توجه دارند. شکل‌گیری طرحمایه در معماری، دستیابی به کلیتی واحد است که ضمن وزن‌دهی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری طرح، که در حین فرایند طراحی جستجو می‌گردد، «چیزی فراتر از آنها را نیز با خود دارد که در درون طراح شکل می‌گیرد و این امکان را فراهم می‌کند که طرحمایه به‌صورت کلیتی واحد ظهور پیدا کند. در حقیقت همان فکر اصلی است که نقش ایجاد وحدت و انسجام در تصمیم‌گیری‌های گوناگون طراح را ایفا می‌کند» (مندگاری و دیگران، ۱۳۹۰: ٤٨). بنابراین کمک گرفتن از نظریات و دیدگاه‌های پست‌مدرن به روشن شدن زمینه‌های مفهوم‌پردازی و معناگرایی در معماری کمک می‌کند و جایگاه راه‌حل‌های فکری رادر مسائل معماری روشن می‌سازد.

بی‌گمان جریان مدرنیسم در اواخر سدهٔ بیستم میلادی که با نقدهای فراوانی در مجلات معماری مواجه بود، برای ادامه مسیر راهی به جز ایجاد گسست در نظریاتِ مدرنِ هنرمند محور نداشت. «این نقدها هم موجب شکل‌گیری معماری پست‌مدرن شدند و هم دیگر جریان‌های هوادار مدرنیسم را نمایندگی کردند» (حبیبی و دیگران، ١٤٠٠: ٥). در معماری دوران مدرن، تکیه بر نقش هنرمند که اثر معماری تنها زیر لوای نبوغ خارق‌العاده وی به وجود می‌آمد، باعث ایجاد فاصله بین هنرمند و مخاطب گردید؛ اما در نگرش پست‌مدرن «هنرمند از مقام نخبه بودن خارج شده و در پی این رویداد، اثر هنری از بند حالات روانی

تصویر ۶: برگزیده‌ای از مهم‌ترین آثار معماری پست‌مدرن (منبع: نویسندگان)

و فکری وی رها می‌شود؛ بنابراین خلق هنر مفهومی اهمیت می‌یابد که هدف اصلی آن، تأکید بر رابطه دو سویه اثر و مخاطب آن است» (صفاری و دیگران، ۱۳۹۷: ٦٧). بنابراین می‌توان گفت نقدهای پسامدرنیستی از اندیشه‌های خردگرای مدرن، جهت‌گیری‌های جدیدی به فرایند طراحی داده‌اند. تا نیمه قرن بیستم بیشتر باورها بر مبهم بودن و تجربی بودن فرایند طراحی بود. «مطابق دیدگاه‌های پس از مدرن، موضوعات دیگری خارج از عملکرد و برنامه‌های ساختمان مانند تاریخ، معنا، مکان، مفاهیم اخلاقی-سیاسی و نگاه جدید به کالبد در فرایند طراحی مؤثرند.» (رضایی، ۱۳۹۳: ٤٥) انعکاس نظریات پست‌مدرن به خوبی در آثار معماری «Charles Moore» مشهود است. وی را پدر معماری پست‌مدرن نامیده‌اند. در تصویر شماره ٦ برگزیده‌ای از مهم‌ترین آثار معماری پست‌مدرن مانند «میدان ایتالیا» اثر چارلز مور، «ساختمان پورتلند» اثر مایکل گریوز، «برج‌های دوقلوی پتروناس» اثر سزار پلی و «موزه گوگنهایم بیلبائو» اثر فرانک گری آورده شده‌است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش می‌کوشیم تا به کمک تطبیق نظریات پست مدرن و نظریات حوزهٔ معماری به دیدگاه تازه‌ای در باب تبیین تحولات رویکرد به معناگرایی دست یابیم. بر پایه مبانی نظری پژوهش در سال‌های پایانی دههٔ ٦٠ میلادی و اوایل دهه ۷۰، پست‌مدرنیسم که زمزمه‌های آن از مدت‌ها قبل آغاز شده‌بود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری در تقابل با نارسائی‌های دوران مدرن ظهور و رواج یافت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر پست‌مدرن که بر سر آن توافق وجود دارد، ایهام، مرزهای نامشخص و فضای مبهم موجود در آن است (نک: .Hassan, 1986: 503-520). بنابراین هرچند به صورت قطعی و واضح در این زمینه نمی‌توان اظهار نظر نمود ولی تلاش می‌شود تا از تحلیل و تفسیر منابع علمی، نکاتی نسبتا کامل و روشن استنتاج گردد.

آنچه مسلّم است، تحولات نیمه دوم قرن بیستم میلادی عامل ظهور نظریات جدید در دوران پست‌مدرن بود که در همه علوم و حوزه‌ها از جهان‌بینی گرفته تا فلسفه و هنر اتفاق داد. در این میان، کانسپچوال آرت به علت تازگی دیدگاهش نسبت به زیبایی‌شناسی و مخاطب اثر هنری به یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌ها در هنر تبدیل شد؛ زیرا به مدد نگاهی همراه با واکاوی و بازبینی به حل بحران هنر درجهان معاصر پرداخت. بنابراین جایگاه و اهمیت شکل‌گیری کانسپچوال آرت که از نتایج شاخص دوران پست‌مدرن است در همه حوزه‌ها از جمله معماری کاملا واضح و آشکار است. نکته دیگر اینکه به مدد جریان پست‌مدرن، مبادلات با حوزه‌های دیگر با مبای نظری معماری رواج یافت و باعث بهبود و رشد نظریات معماری گردید؛ چرا که جنبه‌هایی از فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد به عملکردگرایی دوران مدرن افزوده شد. همچنین در معماری پست‌مدرن بر خلاف معماری مدرن، تغییر ساختارهای نظری موجود به سمت و سویی کشیده شد که بر اقتدار معنا و مفهوم در اثر هنری تمرکز یافت و به جای فرم‌گرایی و نمادگرایی، مفهوم‌گرایی و معناگرایی رواج پیدا کرد. البته در دیدگاه پست‌مدرن، معنایی که از پیش وجود داشت، کشف نمی‌شود؛ بلکه به مدد دیدگاه تازه هنرمند، معنایی تازه نیز آفریده می‌شود. بابک احمدی در کتاب خود این نوع آفرینش را تأویل می‌نامد. «تأویل به این شکل از توصیف فراتر می‌رود و در مکالمه‌ای

درونی با تأویل‌های دیگر، افق دلالت‌های معنایی موضوع شکل می‌گیرد» (احمدی، ۱۳۷۳: ۲۷۰).

به‌طورکلّی در ارتباط با ورود نظریات پست‌مدرن به حوزه معماری دو دیدگاه را می‌توان مطرح نمود: پست‌مدرن نخست واکنشی نسبت به فرهنگ علمی، خردگرا و انسان‌مدار غرب است و دوم متضمن گسستی قاطع از اهداف آوانگارد قرن بیستم و تلفیق دوباره آن با آرمان‌های دوره پیش از مدرن است که هواداران دیدگاه دوم، آن را به‌عنوان تلاشی برای بازگرداندن معنا به معماری از راه احیاء عناصر سنّتی معماری و کثرت‌گرایانه‌تر کردن آنها از راه گسترش گنجینه سبک‌ها و فرم‌های در دسترس طراح توصیف می‌کنند (نسبیت، ۱۳۹۷: ٥٦). بنابراین تأمل در نظریات پست‌مدرن به روشن‌شدن زمینه‌های مفهوم‌گرایی و معناگرایی در معماری کمک می‌کند و مطرح شدن پارادایم‌های پست‌مدرن و مرتبط نمودن آن با نظریات طراحی می‌تواند به تقویت جایگاه اندیشه معماران و مفهوم‌پردازی در معماری بیفزاید. نکته دیگر که از تطبیق نظریات این دو حوزه حاصل می‌شود این است که با ورود هنر مفهومی به عنوان دستاورد پست‌مدرن به حوزه معماری، پرداختن به مفاهیم و معنای نهفته در فرم‌ها و اشکال پررنگ شد و فنون بلاغی در آفرینش، انتقال و نیز دریافت و بازآفرینی معنا (احمدی و ذوالفقارزاده، ۱٤۰۱: ۱٦۷) به معماری پست‌مدرن وارد شد. به صورت کلی در جدول شماره ۳ شاخصه‌های دوران مدرن و پست‌مدرن با هم تطبیق یافته‌است.

شاخصه‌های مدرن	شاخصه‌های پست‌مدرن
فرم‌گرایی	مفهوم‌گرایی-محتواگرایی
وحدت‌گرا	کثرت‌گرا
تأکید بر خالق اثر هنری	تأکید بر تعامل اثر هنری با مخاطب
تمرکز بر خاص بودن	تمرکز بر فرهنگ
توجه به ابعاد فردی	توجه به ابعاد اجتماعی-عاطفی
طراحی فرمال	طراحی مفهومی

جدول ۳: مهم‌ترین شاخصه‌های مستخرج از نظریات مدرن و پست‌مدرن (منبع: نگارندگان)

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا به کمک توصیف، تفسیر و تحلیل نظریات دوران پست‌مدرن و تطبیق آنها با نظریات حوزهٔ معماری، رویکردی جدید نسبت به «مفهوم‌گرایی» حاصل شود تا از این رهگذر بتوان معنابخشی را در جهت تکمیل نظریات فرم‌گرای معماری مدرن بررسی نمود. ردیابی تحولات جریان پست‌مدرن و تحولات آن نشان می‌دهد که تغییر پارادایم‌های نظری در دوران پست‌مدرن و تأکید بر ارتباط و تعامل دوسویه «مخاطب و اثر معماری» فصل جدیدی را در مبانی نظری معماری گشود و به جریان‌های نوظهور در معماری منتهی شد که در رأس آنها، مفهوم‌گرایی

و معناگرایی قرار دارد. در پی آن شکل‌گیری دیدگاه‌های اصیل و مردمی نسبت به هنر معماری در پی تحول رویکرد به «معناگرایی» و «مفهوم‌گرایی» در آثار معماری رخ داد که ریشه در تفکری نو نسبت به همه حوزه‌های علمی و هنری با پشت سر گذاردن دوران هنرمندمحور معماری مدرن و جای‌گزینی آن با مخاطب‌محوری دارد.

هرچند این پارادایم‌ها هنوز در حوزه معماری، از حالت تئوری و نظری وارد جریان عملی و تجربی نشده است؛ اما بنا به تحلیل نتایج حاصل از مبانی نظری، می‌توان چنین استدلال کرد که مطرح شدن پارادایم‌های پسا مدرن و مرتبط نمودن آن با نظریات طراحی می‌تواند به تقویت اندیشه معماران و مفهوم‌پردازی در معماری کمک نماید.

بی‌گمان تحقق این آرمان، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در حوزه نظریات پسامدرن باهدف کاربردی نمودن آنها و تمرکز بر مفهوم و معنا در آثار معماری دارد؛ همچنین ماحصل این تطبیق، اصلاح حوزه نظر و عمل در آموزش معماری با هدف شناخت کامل‌تر فرایند طراحی و دست‌یابی به معنا و مفهوم است. از سویی دیگر، پارادایم‌های پسامدرن که به‌نوعی حکایت از تغییر جهت اندیشه و سوق‌دادن معماری به سمت حوزه‌های شناختی دارد؛ در تقویت بنیان‌های نظری معماری و طراحی مفهومی نیز تأثیری قابل توجه داشته‌است.

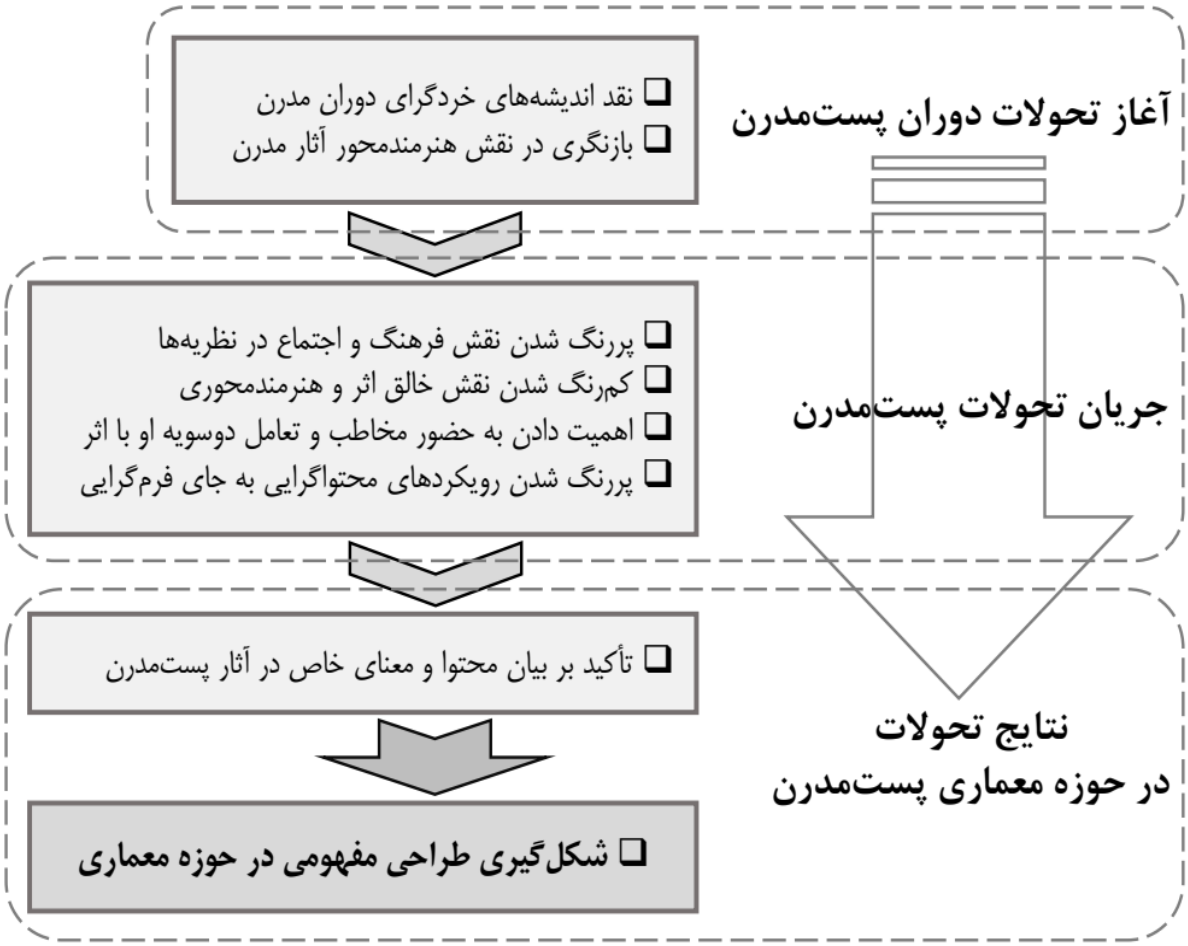

تصویر ۷: مدل مفهومی نتایج حاصل از تطبیق پارادایم‌های پست‌مدرن و نظریات معماری (منبع: نویسندگان)

پی‌نوشت

۱. "Conceptul Art" که در فارسی به «هنر مفهومی» ترجمه شده‌است، در بر گیرنده نظریات مارسل دوشان است؛ در مقاله حاضر برای تبیین کامل‌تر و روشن‌تر موضوع از کانسپچوال آرت استفاده شده‌است؛ زیرا ترجمه آن به هنر مفهومی نارسا است و همه جنبه‌های موضوع را در بر نمی‌گیرد.

2. Art back in the service of the mind

۳ . تا نیمه قرن بیستم میلادی بیشتر دیدگاه‌ها مبتنی بر ماهیت تجربی و شهودی فرایند بود ولی بعد از آن به مدد نظریات طراحی پژوهی، تلاش برای شناخت سازوکارهای ذهنی طراحان آغاز شد. مهم‌ترین نظریه‌پردازی‌ها در باب طراحی پژوهی که در ٦٠ سال اخیر انجام شده را می‌توان به سه نسل تقسیم نمود: نسل اول روش‌های تحلیل-ترکیب که دیدگاهی خطی و منطقی برای طراحی داشتند، نسل دوم روش‌های مشارکتی و نسل سوم روش‌های طرحمایه-آزمون که بر قدرت ذهنی طراح در فرایندی از کشف و شهود تأکید داشتند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : داودی، سمیه؛ لبیب‌زاده، راضیه و طهوری، نیّر (١٤٠٢). تبیین و سنجش مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی به فرایند طراحی معماری بر پایهٔ استعاره‌های مفهومی به روش ترکیبی (موردپژوهی: کارگاه طراحی معماری ۳-دانشگاه فنی و حرفه‌ای، فصلنامهٔ علمی *کارافن*، ۲۰(٤). ۱۳۵-۱۱۱.

کتابنامه

احمدی، بابک (۱۳۷۳). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران: مرکز.

احمدی، زهرا و ذوالفقارزاده، حسن (١٤٠١). *تحلیلی بر چگونگی بیان معنا در معماری پست‌مدرن از دریچه زبان‌شناسی* (مقایسه تطبیقی کاربرد فنون بلاغی در زبان و معماری پست مدرن). نشریهٔ علمی *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۳(۲۳)، صص ۱۸۰-١٦٥.

امرایی، بابک (۱۳۹۰). «تحلیل نشانه شناختی طراحی پسامدرن»، *باغ نظر*، ۸ (١٦)، صص ٦٥-۷۸.

پاکزاد، زهرا و فروغی دهنوی، مینا (١٤٠١). «تحلیل پست‌مدرنیستی نقاشی‌های «وانگچی موتو» هنرمند معاصر آفریقایی-آمریکایی»، *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۳)، صص صص ٥-۱۸.

حبیبی، مسعود؛ ارمغان، مریم؛ رئیسی، ایمان و خوانساری، شیدا (١٤٠٠). «تحلیل محتوای رویکرد مجلهٔ آپوزیشنز نسبت به تئوری معماری پس از مدرنیسم ۱۹۷۳-۱۹۸٤، *باغ نظر*، ۱۸(۹٤)، صص ٥-۱۸.

داودی، سمیه؛ لبیب‌زاده، راضیه و طهوری، نیّر (١٤٠٢). «تبیین و سنجش مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی به فرایند طراحی معماری بر پایهٔ استعاره‌های مفهومی به روش ترکیبی (موردپژوهی: کارگاه طراحی معماری ۳-دانشگاه فنی و حرفه‌ای، فصلنامهٔ *علمی کارافن*، ۲۰ (٤)، صص ۱۳٥-۱۱۱.

رضایی، محمود. آنالوطیقای طراحی: بازنگری انگاره‌ها و پنداره‌ها در فرایند طراحی فرم و فضا، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۳.

سوهانگیر، سارا و نصیرسلامی، محمدرضا (۱۳۹۳). «الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن، *باغ نظر*، ۱۱(۲۸)، صص ٦٥-۷۸.

شادقزوینی، پریسا. (۱۳۹۲). مروری بر تاریخ نقاشی معاصر غرب از آرنوو تا پست مدرنیسم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. صفاری احمد اباد، سمیه، صفاری، سارا و زراوندیان، سید مصطفی. (۱۳۹۷). تحلیل رویداد پسامدرنیسم، در هنرهای تجسمی از نگاه داگلاس کریمپ. باغ نظر. ۱٥(٥۸). ٦٥-٧٦.

ضیمران، محمد، ارشاد، محمدرضا (۱۳۹۳). *اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم*، تهران: انتشارات هرمس.

طهوری، نیّر (۱۳۸۲). «معماری خلسه‌آور»، نشریهٔ *خیال*، شمارهٔ ۸، صص ١٦٠-۱۷۷.

طهوری، نیّر (۱۳۸۹). از دیسزنی‌لند تا لاس‌وگاس، جلد اول، مجموعه مقالات نشست تخصصی فلسفه و هنر، صص ۱۰۹۸-۱۱۱٤.

کهون، لارنس (۱۳۹۲). *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*، ترجمهٔ عبدالکریم رشیدیان، تهران : انتشارات نی.

مالپاس، سایمون (۱۳۸٦). *پست مدرن*، ترجمهٔ حسین صبوری، تبریز : انتشارات دانشگاه تبریز.

مندگاری، کاظم؛ ندیمی، حمید؛ مهدوی‌پور، حسین، و داوودی، سمیه (۱۳۹۰). »چهارچوبی برای آشکار کردن تاثیر مؤلفه‌های شکل‌دهنده طرح‌مایه در کارگاه طراحی معماری (مورد پژوهی: کارگاه معماری ۲, کارشناسی ارشد)« نشریهٔ *صفه*، ۲۱(۵۲)، صص ٤۳-۵۲.

موسویان، سمیه (۱۳۹٤). «**تحلیل زمینه‌های پیدایش مجسمه‌سازی پست‌مدرن از ۱۹٦۰ تا ۱۹۸۰**»، نشریهٔ *باغ نظر*، ۱۲(۳٤). ۵۹-٦۸.

نسبیت، کیت (۱۳۹۷). *نظریه‌های پسامدرن در معماری*، ترجمهٔ محمدرضا شیرازی، تهران: نشر نی.

Cahoone, Lawrence (2003). From Modernism to Postmodernism: An Anthology. Wiley-Blackwell.

Cross, N .Development in Design Methodology. London: John Wiley & Sons.

Hassan, Ihab (1982) The Dismemberment of Orpheus: Toward a Postmodern Literature, Madison, Wis.University of Wisconsin Press.

Hassan, Ihab (1986) Pluralism in Postmodern Perspective, Critical Inquiry, Vol. 12, No. 3. 503-520.

Heynen, Hilde (2024) Architectural history today: Where do we stand? Where do we go?, Perspectives in Architecture and Urbanism, Volume 1, Issue 1, 1-7.

Jencks, Charles (1977). The Language of Post-modern Architecture, Rizzoli.

Jencks, Charles (1999). (ed). Ecstatic Architecture. Britain Academy Editions.

Malpas, Simon (2004). The Postmodern (The New Critical Idiom). Routledge.

Nesbitt, Kate (1996). Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965 - 1995. United States: Princeton Architectural Press.

Scott Brown, Denise (1972) Learning from Las Vegas, The MIT Press.

Venturi, Robert (1966) Complexity and contradiction in architecture, Boston: Museum of Modern Art.

www.Artland Magazine.com